



متن سخنرانی پروفیسور مری دیویس، عضو رهبری حزب کمونیست بریتانیا و سردبیر نشریه «تئوریک»، «کمونیست ریویو»، بر مزار کارل مارکس در بزرگداشت تولد او.

میراث جاودانه مارکس

«امروز اندیشه های مارکس همان قدر و منزلتی را دارند که همیشه داشته اند. امیدوارم سخنرانی های سالانه ای که به مناسبت تولد کارل مارکس در سال ۱۸۱۸ انجام می شوند، هرگز نوعی بُت ستایی ملال آور تلقی نشوند..»

نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی از کوبا، شیلی، ویتنام، چین، کره، لائوس، هند، یونان، قبرس، عراق، نمایندگان حزب توده ایران و شمار کثیری از اعضای و هواداران حزب



شماره ۷۶۵، دوره هشتم
سال بیستم، ۵ خرداد ماه ۱۳۸۶

ادامه در صفحه ۵

در این شماره

جلوگیری از برگزاری سالگرد نهضت

آزادی در ص ۴

مسیر حرکت چین به پیش در ص ۷

۱۰۰ روز آزادی پس از ۱۶ سال

نولیبرالیسم در ص ۸

ورشکستگی اقتصادی، فقر و محرومیت فرآینده

«معجزه اقتصادی» دولت ارتجاع

آن معجزه اقتصادی که احمدی نژاد مورد اشاره قرار می دهد، چیزی نیست جز خدمت به تجار عمده و دلان و تقویت سرمایه داری بزرگ تجاری به زیان توده های محروم جامعه! با تشدید بحران همه جانبه اقتصادی و تشدید فشارهای کمر شکن بر مردم بدبختی است که شاهد اوج گیری تشی های اجتماعی و حرکت های اعتراضی مردم نیز باید بود.

پاکی و صداقت و فداکاری حاکم شود، بعضی از تصمیمات که در این دولت گرفته می شود ۱۵ سال روی آن مطالعه شده است برخی تصمیمات که من بر آن پافشاری می کنم، خودم روی آن ۱۵ سال مطالعه کردم اما آنها (مخالفان و منتقدان حکومتی) هو و جنجال می کنند، در حالی که اگر سروصدا و بلند گوهای آن صد برابر هم شود، محال است که از مسیر تعیین شده کنار بروم، ما هنوز حرفی نزنده ایم و کسی را بیرون نریخته ایم. او سپس با اعلام آماري چند در ارتباط با مسایل اقتصادی گفت: «اقتصادانان می دانند که این یک معجزه است. این رقم ها برای دولت ملقب به بسیجی شدن، یک افتخار است...»

برای روشن شدن ابعاد معجزه اقتصادی دولت ارتجاع و اینکه ثمره این «معجزه» به جیب چه کسانی رفته است کافی است به آمار ارائه شده از سوی محمود تابش، رئیس فراکسیون اقلیت مجلس درباره کارنامه دولت احمدی نژاد توجه کنیم. تابش می گوید: «حجم واردات کشور در سال های آخر

محمود احمدی نژاد در جریان برگزاری روند انتخابات ریاست جمهوری ضمن اشاره به تشدید محرومیت و فقر در جامعه قول داد که با گذاشتن «پول نفت بر سر سفره مردم» جامعه را به سمت عدالت براند و از فقر و محرومیت ها بکاهد. نزدیک به دو سال پس از این قول ها نگاهی گذرا به وضعیت وخیم اقتصادی کشور تنها نشانگر این واقعیت است که پول نفت و ثروت ملی کشور بر سر سفره سرمایه داری بزرگ تجاری کشور و وابستگان آنها و سران نهادها و نیروهای ضد مردمی همچون سپاه پاسداران قرار گرفته است.

احمدی نژاد، رئیس جمهور در گرماگرم درگیری های درون و بیرون حاکمیت، که با شدت هر چه تمام تر جریان دارد، مدعی شد که دولت وی در اقتصاد معجزه کرده است!

احمدی نژاد در سخنان خود در جمع فرماندهان بسیج، ضمن هشدار شديده به منتقدانش در درون حاکمیت، خاطر نشان ساخت: «باید کشور را با رویه بسیجی بسازیم و

ایران، و تحولات در حوزه دریای خزر

در اواسط اردیبهشت ماه سال جاری، توافق نامه اولیه احداث خطوط جدید انتقال گاز ترکمنستان به ازبکستان، روسیه و سپس اروپا بین روسای جمهوری این سه کشور به امضاء رسید، و به این ترتیب فصل نوینی در تحولات حوزه دریای خزر آغاز شد.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در حاشیه مراسم امضاء این توافق نامه در جمع خبرنگاران با صراحت تاکید کرد: «ما خط لوله گاز ساحلی دریای خزر را بار دیگر فعال و باز سازی خواهیم کرد تا زمینه صادرات گاز بیشتر برای کشورهای آسیای میانه و روسیه فراهم گردد، ما بر اساس زمان بندی انجام شده، کار احداث

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه ایران و تحولات دریای خزر...

چگونگی تعیین نظام حقوقی دریای خزر استفاده خواهد کرد. بر سر تعیین نظام حقوقی دریای خزر که برای منافع ملی ما اهمیت درجه اول دارد، سیاست و نظر روسیه با ایران متفاوت و در منطقه مقابل یکدیگر قرار دارد.

پیوستن ترکمنستان به پیشنهاد های روسیه در این خصوص که از هم اکنون زمزمه های آن به گوش می رسد، سبب کم رنگ شدن نقش ایران در دریای خزر می شود. آیا در این زمینه ها تدابیری اندیشیده شده است؟! باید گفت پاسخ منفی است. ایران به دلیل سیاست های ضد ملی دولت احمدی نژاد در تنگناهای جدی قرار دارد. مسئله پرونده هسته ای و برنامه های دولت کنونی در ارتباط با آن، قدرت و تحرک دیپلماسی کشور را برای حفظ منافع ملی در روابط بین المللی و به ویژه حوزه دریای خزر، به میزان قابل ملاحظه ای کاهش داده است.

معادلات حوزه دریای خزر و آسیای میانه تاثیر مهمی بر میهن ما دارد. ایران اگر نتواند در تحولات این منطقه نقش شایسته و در خور خود را ایفا کند، بی شک منافع ملی و امنیت کشور با دشواری های غیر قابل پیش بینی مواجه خواهد شد!

ادامه ورشکستگی اقتصادی ...

ماجرای عزل مدیران "بیمه ایران"، بخش نامه های متعدد در ارتباط با سیستم بانکی کشور، و جز اینها، از سوی دولت ارتجاع و واکنش های موافق و مخالف جناح های درون و بیرون حاکمیت و به ویژه در دوران کنونی زور آزمایی درون گروهی طیف ارتجاع حاکم، همگی بر سر تصاحب ثروت های ملی، و در نتیجه تقویت و تحکیم موقعیت در حاکمیت است. در این زمینه به هیچ وجه نباید فریب شعارهای ظاهری دولت ضد ملی احمدی نژاد و باند های هوادار آن را خورد و در دام آنها گرفتار شد. این باندها وابسته به لایه های سرمایه داری بزرگ تجاری کشور هستند اقدامات آنها بر پایه منافع طبقاتی صورت می گیرد و فاقد انگیزه و محتوی ملی، مردمی است. تلاش و کوشش دولت احمدی نژاد در واقع مبارزه لایه های معینی از سرمایه داری تجاری بزرگ ایران است که می کوشد نقش سر کردگی کسب کند و به همین دلیل مقاصد و اهداف خود را زیر شعارهای عوام فریبانه پنهان ساخته است!

سرمایه داری بزرگ تجاری پس از پیروزی انقلاب مورد تعرض قرار نگرفت، و ذخایر عظیم کالایی و امکانات وسیع مالی آن دست نخورده باقی ماند. زمینه حضور این بخش سرمایه داری ایران طی نزدیک به سه دهه اخیر هم در بازرگانی خارجی وهم در بازرگانی داخلی، تمام و کمال فراهم بوده است. و از این رو سرمایه بزرگ تجاری توانست به مواضع مالی و سرمایه ای و امکانات سیاسی به مراتب قوی تری از قبل نایل آید. به همین دلیل سرمایه بزرگ تجاری و وابستگان آنها، و همچنین گروه بندی نظامی، امنیتی و دلال، که احمدی نژاد نماینده آنان است، با توجه به امکانات و موقعیتی که طی سال های اخیر کسب کرده در صدد است مواضع خود را در حاکمیت تقویت و تحکیم کند.

آن معجزه اقتصادی که احمدی نژاد مورد اشاره قرار می دهد، چیزی نیست جز خدمت به تجار عمده و دلالان و تقویت سرمایه داری بزرگ تجاری به زبان توده های محروم جامعه!

با تشدید بحران همه جانبه اقتصادی و تشدید فشارهای کمر شکن بر مردم بدیهی است که شاهد اوج گیری تنش های اجتماعی و حرکت های اعتراضی مردم نیز باید بود. در چارچوب همین نگرانی هاست که سران رژیم در ماه های اخیر انواع و اقسام برنامه های سرکوب گرانه را از یورش به جنبش کارگری تا تهدید و تشدید فشار بر جنبش دانشجویی و همچنین تشدید فشارهای اجتماعی بر زنان تدارک و به مرحله اجرا در آورده اند.

مبارزه با سیاست های مخرب اقتصادی رژیم بخش جدا ناپذیر مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم و تلاش در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در کشور است. مقابله با این سیاست های مخرب و ایران بر باد ده تنها از طریق تلاش مشترک همه نیروهای آزادی خواه و با حمایت فعال نیروهای اجتماعی کشور ممکن است. باید این نیروها را به سلاح برنامه سیاسی و مبارزاتی مجهز کرد و به مواجهه با ارتجاع حاکم رفت.

خط لوله مرزی انتقال گاز را از اول سال ۲۰۰۸ آغاز می کنیم و پس از تکمیل نهایی، ظرفیت انتقال آن تا ۱۲ میلیارد متر مکعب در سال قابل افزایش خواهد بود.

مهمترین نکته در امضاء این توافق نامه گسترش نفوذ روسیه در آسیای میانه در رقابت با آمریکا و انگلستان است. در همین راستا پوتین در آغاز دیدار با روسای جمهور ترکمنستان و ازبکستان هنگام عقد توافق نامه اولیه، با اشاره به نیروهای فرا منطقه ای و شرکت های فعال نفتی متعلق به آمریکا و اروپا در دریای خزر خاطر نشان ساخت: "احداث خط لوله گاز از اهمیت اساسی در جهت تعمیق روابط و همکاری های مشترک روسیه با کشورهای آسیای میانه و حوزه دریای خزر بر خور دار است." پیش از این توافق، که در صورت نهایی شدن تاثیر اساسی بر معادلات منطقه آسیای میانه دارد، کاخ سفید تلاش گسترده ای را انجام داده بود تا گاز ترکمنستان به وسیله احداث خط لوله ای خارج از مسیر روسیه به اروپا انتقال یابد، و سفر سال گذشته دیک چین به آسیای میانه با این هدف صورت گرفته بود. با احداث خط لوله گاز ترکمنستان به ازبکستان و روسیه و سپس به سمت اروپا، روسیه گامی مهم در راه تقویت و تحکیم موقعیت خود در منطقه فوق العاده استراتژیک آسیای میانه و حوزه دریای خزر به جلو برداشت. روسیه به این ترتیب علاوه بر محکم ساختن جای پای خود در منطقه، امتیاز چشمگیری نیز در رابطه اقتصادی خود با اتحادیه اروپا، خصوصا در عرصه انرژی، به دست آورده و در مجموع تحولات حوزه دریای خزر واز جمله مسئله بسیار حیاتی و مبرم تعیین نظام حقوقی این دریاچه به موقعیت نسبتا برتری نسبت به قبل نایل آمده است. درست به همین دلیل، احداث خط لوله گاز ترکمنستان تاثیر مستقیم بر منافع و امنیت ملی کشور ما دارد. نباید از یاد برد که با احداث این خط لوله و تقویت موقعیت روسیه، این کشور در کانون صادرات گاز به اروپا قرار می گیرد و این به نوبه خود در روابط میان ایالات متحده، اتحادیه اروپا و روسیه نقش جدی بی ایفا خواهد کرد و بر سطح روابط روسیه با ایران تاثیر بسزایی دارد.

قرارداد انتقال گاز سه جانبه در عین حال پاسخی به خط لوله نفت باکو - جبهان است. روسیه پنهان نمی سازد که در آینده ای نزدیک روابط تجاری با دولت باکو، را به ویژه داد و ستد نفت و گاز را نیز فعال تر از پیش ساخته و خواهد کوشید نظر مساعد مقامات باکو را به پیوستن به قرار داد سه جانبه مذکور جلب کند.

با توجه به این تحولات و دور نمای صف بندی ها در حوزه دریای خزر و آسیای میانه، این پرسش اساسی مطرح می گردد که، ایران که در کنار روسیه مهمترین کشور حوزه دریای خزر محسوب می شود و به دلیل مجاورت با کشورهای آسیای میانه از موقعیت منحصر به فردی برخوردار است، چگونه و با چه برنامه ای با این تحولات رو به رو و از منافع ملی و حقوق حقه مردم خود دفاع می کند و جایگاه کشور ما در این رخدادها کجاست و نقش آن در آرایش قوا در این منطقه با توجه به وزن آن چیست؟!

امپریالیسم آمریکا از مدتها پیش سیاست مهار و خنثی سازی نقش ایران در این منطقه حساس را دنبال کرده است که مهمترین نمونه آن حمایت قاطع از شاه لوله غیر اقتصادی باکو- جبهان است. اینک روسیه نیز با توجه به اهرم هایی که در اختیار داشته و دارد با تحکیم موقعیت خود، منافع ملی میهن ما را با چالش روبه رو ساخته و به طور قطع با در نظر گرفتن تعمیق روابط این کشور با جمهوری های نو بنیاد آسیای میانه و حوزه دریای خزر، در آینده ای نه چندان دور از این روابط به سود اعمال دیدگاه خود در زمینه

کارگران قراردادی، امنیت شغلی و

حقوق کار در رژیم ولایت فقیه

* عضو کمیسیون حقوقی مجلس: بیش از ۹۰ درصد کارخانه های

کشور دچار بحران هستند!

* دبیر کل خانه کارگر: در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۰۰ هزار کارگر در

۵۰۰ واحد تولیدی دستمزد های معوقه (از ۳ تا ۵۰ ماهه) دارند!

* خبرگزاری فارس: اینک بیش از ۷۵ درصد کارگران شاغل قرارداد

موقت هستند!

یادآوری کرد: "با سیاست های دولت نهم طی ۲ سال تصدی آن، کارفرمایان سود جو برای آنکه به کارگران دستمزد های بالا ندهند یعنی مصوبه شورای عالی کار که البته به هیچ وجه بالا نیست) آنان را اخراج کرده و سپس با حداقل ۱۸۳ هزار تومان دوباره استخدام می کنند." وی در ادامه افزوده است: "در حال حاضر کارگران با سابقه ۱۲ تا ۱۵ سال که حتی یک روز هم قطع رابطه کاری نداشته اند از سوی کارفرمایان مجبور به تسویه حساب شده و قرارداد جدیدی با دستمزد مصوب ۱۸۳ هزار تومانی منعقد می کنند."

وزارت کار دولت احمدی نژاد در چارچوب سیاست های این دولت برای تضعیف جنبش اعتراضی زحمتکشان و مقابله با جنبش مستقل سندیکایی اخیرا دست به ترفندی تازه زده است. این ترفند در پیوند با برنامه هایی قرار دارد که بر پایه آن می باید، برای تامین منافع کلان سرمایه داران و تجار عمده و به طور کلی لایه سرمایه داری تجاری و کاملاً غیر مولد و ضد تولید، کارگران را فریب داده و مانع از رشد جنبش اعتراضی بر محور احیای حقوق سندیکایی شد. چهرمی وزیر کار با چنین هدفی اعلام داشته است که طرح اعطای ۱۰ میلیون ریال وام قرض الحسنه برای خرید کالاهای ایرانی به کارگران تدوین شده است.

او در باره جزئیات این طرح گفته است: "این وام در ازای خرید کالاهای ایرانی به صورت کارت اعتباری در اختیار کارگران قرار می گیرد که جزئیات آن در دست بررسی است و بزودی اعلام خواهد شد."

چهرمی با اشاره به محتوی این طرح، هدف آن را چنین عنوان کرد: "روان سازی روابط (بخوان تامین امنیت سرمایه با اصلاح قانون کار) و ایجاد فضای آرام برای سرمایه گذاری گامی مهم در جهت کاهش مشکلات کارگران است." به این ترتیب می توان به نیت واقعی به اصطلاح وام های کارگر پی برد!

واقعیت اینست که دولت ضد کارگری احمدی نژاد و وزارت کار آن با بی اعتنائی کامل به منافع و امنیت شغلی زحمتکشان حقوق کار که در اکثر موارد به طور کاملاً آشکار در تقابل با استانداردهای شناخته شده در جهان از جمله منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقاله نامه های سازمان بین المللی کار (ای.ال.او) دارد حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان را هدف قرار داده و به آن دستبرد می زند. یکی از مهمترین مسایل در این زمینه، حق ایجاد و فعالیت تشکل های مستقل صنفی یعنی سندیکاهاست. در رژیم ولایت فقیه و به ویژه در دولت کنونی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما از این حق مشروع، بدیهی و انکار ناپذیر محروم شده و آزادی ها و حقوق سندیکایی همانند دیگر حقوق و آزادی های دمکراتیک فردی و اجتماعی به رسمیت شناخته نمی شود. از این رو شاهد نقض پی در پی حقوق و منافع زحمتکشان و نابودی امنیت شغلی آنان هستیم. کارگران و زحمتکشان ایران در مبارزه خود برای تامین امنیت شغلی که خواست لغو فوری قراردادهای موقت را نیز شامل می شود به تشکیلات سندیکاهای خود نیاز دارند. مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی، پیکاری در راه تامین منافع صنفی، رفاهی همه مزد بگیران است. در عین حال فقط با حضور سندیکاهای مستقل می توان در راه تامین حقوق سندیکایی بر پایه منشور جهانی حقوق سندیکایی و انطباق نظام حقوقی با استانداردهای بین المللی حقوق کار که در اوضاع کنونی برای زحمتکشان کشور از اهمیت فوق العاده برخوردار است، فعالیت و مبارزه کرد! طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما درگیر مبارزه ای بسیار سخت و حساس برای احیای حقوق سندیکایی خود هستند. اتحاد، همبستگی، هوشیاری و توجه دقیق به فعل و انفعالات سیاسی در کشور شرط نخست برای کامیابی در این پیکار سرنوشت ساز قلمداد می گردد!

هم زمان با به روی کار آوردن احمدی نژاد، شاهد رشد و گسترش شگفت آور اقتصاد دلالی و غیر مولد بر پایه سیل بنیان کن واردات بی رویه هستیم که نخستین اثر آن رکود و بحران در واحدهای تولیدی و فروپاشی تولیدات داخلی است. مجموعه مزد بگیران میهن ما و در راس آنها طبقه کارگر اولین قربانیان این سیاست ها هستند. چندی پیش در این خصوص خبرگزاری "ایلنا" به نقل از رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور گزارش داد که، دست کم [توجه کنید دست کم] ۳۰ درصد کارگران قراردادی کشور از دریافت حقوق و مزایای قانونی محروم هستند و به نظر می رسد دولت کارگران قراردادی را فراموش کرده است. وی سپس با برشمردن مشکلات و معضلات کارگران قراردادی تاکید کرد: "با وجود هشدارهای پی در پی نمایندگان کارگری، هم چنان اقدامی در خصوص رفع مشکلات کاری کارگران قراردادی و پیمانی کشور صورت نپذیرفته و عدم امنیت شغلی و تضییع حقوق کارگران، در مرحله جدیدتری از بی اعتباری به راه تاریخ خود ادامه می دهد."

علاوه بر این خبرگزاری "ایلنا"، ۲۳ اردیبهشت ماه در گزارشی پیرامون وضعیت کارگران قراردادی، با صراحت خاطر نشان ساخت: "بیش از ۵۰ درصد کارگران قراردادی کشور، از دریافت حقوق و مزایای قانونی محروم هستند و از جانب وزارت کار اقدامی انجام نگرفته است. به واسطه ظلم آشکار برخی از کارفرمایان، حقوق جمع کثیری از کارگران قراردادی شاغل در واحدهای تولیدی و صنعتی تضییع می شود و بازرسان وزارت کار نیز از این موضوع چشم پوشی می کنند."

نابودی امنیت شغلی زحمتکشان و رواج قراردادهای موقت ارتباط مستقیم با سیاست های رژیم و شیوه های دولت برگمارده ارتجاع در امر خصوصی سازی و اصلاح ساختار اقتصادی دارد، بی جهت نبود رییس خانه صنعت و معدن ساوه در گفتگویی با خبرگزاری "ایلنا" اعلام می کند: "بزرگترین مشکل موجود در بخش صنعت کاهش تولید و به تبع آن کاهش نیروی انسانی شاغل در واحدهاست. واردات بی رویه، مشکلات نقدینگی و فرسودگی ماشین آلات از دیگر مشکلات صنعت است دشمن تولید کننده و اشتغال زایی تفکری است که به واردات بی رویه به کشور اعتقاد دارد و چنین شخصی دشمن تولید کننده داخلی است، دولت ها شعار پرداخت تسهیلات را می دهند اما تولید کننده باید از هفت خوان رستم بگذرد تا بتواند تسهیلات دریافت کند، با قوانین موجود تشکیل کمیسیون ها و کمیته های بحران در استان داری ها، فرمانداری ها و وزارت صنایع و معادن زاید است و این کمیسیون ها قادر به رفع مشکلات واحدهای تولیدی و نیروی کار نیستند...."

نابودی تولید و پامبال شدن امنیت شغلی زحمتکشان در اثر سیاست های دولت احمدی نژاد سبب آن گردیده است که روش جدیدی که به "اخراج و استخدام دوباره" شهرت یافته، رواج گسترده ای پیدا کند. یکی از نمایندگان خانه کارگر قزوین در این باره، ۲۱ اردیبهشت ماه به "ایلنا"

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

مقام های اطلاعاتی و امنیتی در اقدامی غیرقانونی و در مخالفت با روح و مفاد قانون اساسی به بهانه دریافت نکردن مجوز، مانع برگزاری این مراسم شدند. این در شرایطی است که طی سال های گذشته، حتی اولین سال زمامداری دولت جدید، این مراسم بدون اعمال چنین تضییقات غیرقانونی با آرامش تمام برگزار می شد.

همگان می دانند که بر طبق اصل نهم قانون اساسی ایران آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و احاد ملت است و هیچ مقامی حقی ندارد "آزادی های مشروع" ایرانیان را تحت هر عنوانی حتی "حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور" زیر پا گذارده و این آزادی ها را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. از جمله این آزادی ها فعالیت آزاد احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و پیوستن و شرکت ملت در این نهادهای سیاسی و مدنی و همچنین تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها است. اهمیت آزادی و تشکیل اجتماعات و راهپیمائی ها به عنوان یک حق بنیادی، از نظر تدوین کنندگان قانون اساسی به آن حد بوده است که آنان صلاح ندیده اند در جهت اعمال آن ضرورت وضع قوانین موضوعه را مطرح نمایند. به همین دلیل خود در دل اصول بیست و شش و بیست و هفتم عوامل محدود کننده را تبیین کرده اند. اصل بیست و ششم قانون اساسی تأکید دارد: "احزاب، جمعیت های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. در اصل بیست و هفتم نیز این موضوع به صراحت بیان شده است که تشکیل اجتماعات و راه پیمائی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است. ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن محکوم کردن اقدام غیرقانونی مقام های فرمانداری و مسئولان اطلاعاتی و امنیتی در جلوگیری از برگزاری این مراسم که نه تنها مغایر با اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران متعهد به اجرای آن است، بلکه با بسیاری از اصول قانون اساسی که حاکمیت بر اجرای آن تعهد دارد، اعتراض شدید خود را نسبت به محدودیت های فزاینده علیه نهادهای سیاسی، مدنی، صنفی و... اعلام می کنیم و خواستار رفع تمامی موانع غیرقانونی رسمی و غیررسمی و نقض آشکار و مکرر قانون اساسی هستیم."

خصوصی سازی، و افزایش سوانح و حوادث کار

یکی از پیامدهای برنامه های ضد کارگری رژیم ولایت فقیه از جمله خصوصی سازی در سال های اخیر، افزایش چشمگیر حوادث و سوانح کار و رشد نگران کننده مرگ و میر و از کار افتادگی کلی و جزئی زحمتکشانشان میهن ماست! دفتر آمار و محاسبات اقتصادی - اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، در تازه ترین گزارش آماری خود از سوانح کار، ارقامی را در معرض دید و ماهیت برنامه های رژیم را در این یک فاجعه بزرگ در حق کارگران و زحمتکشانشان را نشان می دهد و ماهیت برنامه های رژیم را در این زمینه بر ملا می سازد. سازمان تامین اجتماعی در گزارش خود تأکید می کند که، فقط در نیمه اول سال ۱۳۸۵ (یعنی ظرف شش ماه) در استان تهران ۱ هزار و ۱۰۳ حادثه برای کارگران رخ داده است. در آمار مذکور مجموعه سوانح کاری در کشور در شش ماه اول سال گذشته بیش از ۱۰ هزار و ۶۷۷ مورد قید شده، که ۱۰ هزار و ۵۲۴ مورد مربوط به مردان و ۱۵۳ حادثه مربوط به زنان کارگر بوده است. از این مجموعه، ۷ هزار و ۹۶۲ کارگر (مرد و زن) متاهل و ۲۷۱۵ کارگر مجرد بوده اند. براساس این گزارش، کارگران جوان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، با ۲ هزار و ۸۲۳ سانحه بیشترین قربانیان سوانح کاری را به خود اختصاص می دهند. از مجموع ۱۰ هزار و ۶۷۷ سانحه کاری بیش از نیمی از آن به از کار افتادگی کلی و جزئی منجر شده است.

از دیگرسو، مدیر کل بازرسی وزارت کار، در اواسط اسفند ماه سال گذشته، به خبرگزاری "ایلنا" اعلام داشته بود: "تعداد ۱۱ هزار و ۱۰۰ کارگر به علت حوادث ناشی از کارخان خود را از دست داده اند." نبود بازرسی و ایمنی در محیط های کارگری بر اثر سیاست های رژیم و در چارچوب خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه علت اصلی افزایش سوانح کاری است که بر پایه آمار، میزان آن در سال ۱۳۸۵، دو برابر سال قبل برای کارگران حادثه آفریده است. میزان مرگ و میر ناشی از سوانح کار نیز نسبت به سال های قبل بیش از ۲ برابر افزایش یافته.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشانشان برای تضمین ایمنی لازم در محیط های کاری، مطابق با استانداردهای شناخته شده جهانی، به سازمان های سندیکایی نیازمند هستند. اصولاً سندیکاها در این زمینه نقش موثری برعهده دارند. ولی رژیم ولایت فقیه ارزشی برای جان و زندگی کارگران قابل نیست و موانع غیر قانونی بر سر راه تشکیل سندیکاها مستقل ایجاد کرده است. این امر را می توان در سخنان غیر مسئولانه مدیر کل بازرسی وزارت کار و مصوبه دولت احمدی نژاد در این خصوص به روشنی مشاهده کرد.

دولت احمدی نژاد در یکی از آخرین مصوبات خود در خصوص چگونگی تشخیص موارد از کار افتادگی کلی و جزئی، حوادث ناشی از کار و جز اینها، با بی اعتنایی کامل به حقوق و منافع کارگران، بررسی حوادث و سوانح ناشی از کار و تعیین نقش کارفرما در آن را بر عهده گروهی مرکب از نمایندگان وزارتخانه های کار و امور اجتماعی، رفاه، و بهداشت و درمان قرار داده و برای نماینده کارگران که طرف اصلی قضیه محسوب می شود هیچ گونه نقش و وظیفه ای تعیین نکرده است. نه کارگران و نه تشکل های مستقل صنفی آنان به لحاظ قانونی در این موارد که با زندگی وهستی کارگران و خانواده هایشان ارتباط مستقیم دارد (حتی در چارچوب قوانین رژیم ولایت فقیه) کوچکترین نقشی ندارند.



جلوگیری از برگزاری مراسم سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران



در پی تشدید فشارهای سیاسی و گسترش اقدام های سرکوبگرانه رژیم، در هفته های اخیر، خصوصاً یورش، دستگیری و فشار بر جنبش دانشجویی کشور مقامات رژیم از برگزاری مراسم سالگرد تأسیس نهضت آزادی نیز جلوگیری کردند. حزب توده ایران همگام با سایر نیروها و شخصیت های اجتماعی - سیاسی کشور این اقدام سرکوبگرانه سران رژیم را به شدت محکوم می کند.

در پی این اقدام سران رژیم بیانیه یی با امضای صدها تن از شخصیت های اجتماعی - سیاسی کشور منتشر شد که بخش هایی از آن به شرح زیر است:

"ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن محکوم کردن اقدام غیرقانونی مقام های فرمانداری و مسئولان اطلاعاتی و امنیتی در جلوگیری از برگزاری این مراسم... اعتراض شدید خود را نسبت به محدودیت های فزاینده علیه نهادهای سیاسی، مدنی، صنفی و... اعلام می کنیم و خواستار رفع تمامی موانع غیرقانونی رسمی و غیررسمی و نقض آشکار و مکرر قانون اساسی هستیم. در روند فزاینده ی تشدید فشار و اعمال محدودیت علیه سازمان ها و نهادهای سیاسی، مدنی، صنفی، دانشگاهی و ... روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ از برگزار شدن مراسم چهل و ششمین سالگرد فعالیت نهضت آزادی ایران در منزل شخصی یک عضو شورای مرکزی این حزب جلوگیری شد. در شرایطی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایجاد احزاب و گروه های سیاسی را مجاز دانسته و حق تجمع و راهپیمائی را به کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی داده است، مسئولان اداره سیاسی فرمانداری تهران و

ادامه میراث جاودانه مارکس...

کمونیست بریتانیا، به رسم هر ساله بر مزار کارل مارکس گرد آمده و تولد او را گرامی داشتند.

متن سخنرانی خانم پروفیسور مری دیویس، عضو رهبری حزب کمونیست بریتانیا و سردبیر نشریه تئوریک آن، "کمونیست رویو"، بر مزار مارکس، در بزرگداشت تولد مارکس، در ماه مه ۱۸۱۸ را برای اطلاع خوانندگان "نامه مردم" در زیر ذکر می کنیم.

با توجه به این که مجموع نوشته های مارکس دست کم ۵۵ جلد کتاب می شود، طبیعی است که من ادعایی نداشته باشم که می توانم در این مختصر حق مطلب را ادا کنم. اما اجازه بدهید از دوست و همکار او، فردریش انگلس، مدد بگیرم که در خطابه ستایش آمیزی که سه روز پس از مرگ مارکس در سال ۱۸۸۳ ایراد کرد، به بهترین وجهی به فشرده کار او اشاره کرد.

انگلس گفت که، مارکس دو کشف عمده کرد. نخست قانونمندی تکوین و رشد تاریخ بشری، یا به عبارت دیگر، ماتریالیسم تاریخی، و دوم قانونمندی حرکت ویژه حاکم بر شیوه تولید سرمایه داری امروزی.

به بیان انگلس، که در بسیاری از موارد درست درک نشده است، "همان گونه که داروین قانونمندی تکوین و رشد طبیعت آلی را کشف کرد، مارکس هم کاشف قانونمندی تکوین و رشد تاریخ بشر بود، یعنی این واقعیت ساده تا کنون نهفته مانده در پشت انبوه ایدئولوژی که: انسان ها نخست باید بخورند، بیاشامند، و سرپناه و پوشش داشته باشند تا بتوانند به سیاست، علم، هنر، مذهب و غیره بپردازند."

اما همان طور که انگلس اشاره کرد، ماتریالیسم تاریخی یگانه کشف بزرگ مارکس نبود. "مارکس همچنین قانونمندی حرکت ویژه ای را یافت که بر شیوه تولید سرمایه داری امروزی، و جامعه بورژوازی حاکم است. کشف ارزش اضافه به ناگهان به روشن شدن مسئله ای کمک کرد که تمام پژوهشگران پیش از آن، هم اقتصاددانان بورژوازی و هم منتقدان سوسیالیست، در تاریکی در پی حل کردن آن بودند." حامیان و بدگویان، هر دو بر ژرف بودن تحلیل مارکس از نظام درونی سرمایه داری اذعان دارند.

اما هیچ یک از این دو کشف مارکس را هرگز نباید به عنوان اصول جزئی نوشته بر سنگ، به عنوان آخرین کلام در زمینه واقعیت اجتماعی دید، بلکه باید آنها را کلید برداشت و شناخت مداوم جهانی که در آن زندگی می کنیم، و چگونگی تغییر و تحول آن دانست. مارکس همه چیز را نگفته است؛ ما، که وارث سنتی هستیم که او بنیان گذاشت، می بایست با اعمال شیوه مارکسی در مورد تجزیه و تحلیل سرمایه داری قرن بیستم، پیوسته آن ایده را نو و روزآمد کنیم.

در تریازدهم درباره فورباخ، مارکس نوشت که فقط شناخت جهان کافی نیست، سخن بر سر تعبیر آن است. برای همین هم مارکس یک انقلابی بود. همان طور که انگلس در سخنرانی پس از مرگ مارکس درباره او گفت: "رسالت واقعی او در زندگی کمک کردن به برانداختن جامعه سرمایه داری و نهادهای دولتی ای بود که به وجود آورده بود؛ کمک کردن به رهایی پروتاریای نوینی بود که او را از موقعیتش و از نیازهایش، و از شرایط رهایی اش آگاهانید." او در ادامه به همه روزنامه ها و نشریه های اشاره کرد که مارکس در آنها مطلب نوشته بود، اما افزود که دستاورد اصلی او تشکیل «جامعه بین المللی زحمتکشان» بود، "دستاوردی که مایه افتخار بنیانگذارش است، حتی اگر هیچ کار دیگری هم نکرده بود." به گفته انگلس، "مارکس به خاطر فعالیت های انقلابی اش برجسته ترین مرد ... مورد کینه در زمان خودش بود. دولت ها، هم مطلق گرا و هم جمهوری خواه، او را از کشورهایشان راندند." اما با همه اینها، وقتی که او درگذشت، به بیان انگلس "میلیون ها رفیق کارگر انقلابی، از معدن های سیبری گرفته تا کالیفرنیا، در همه جای اروپا و آمریکا، او را عزیز داشتند، به او ادای احترام کردند، و در عزای مرگش ماتم گرفتند." البته انگلس در زمان خودش نمی

توانسته است ماهیت جاودانه این بیان را بداند. او که در سده نوزدهم این ها را گفته و نوشته است، نمی توانسته است نفوذ عظیم جهانی مارکس را فراسوی اروپا و آمریکا پیش بینی کند.

از دهه ۱۹۲۰ به این سو، به دنبال پایان فاجعه جنگ جهانی اول، ورشکستگی سوسیال دموکراسی و نفوذ شتابنده انقلاب روسیه، احزاب کمونیست تشکیل شدند و نقشی فعال به عهده گرفتند. همان گونه که مارکس مورد "تغیر" دولت های ارتجاعی بود و توسط آنها از کشور رانده شد، کمونیست های دوران ما نیز دچار سرنوشتی مشابه شدند. کافی است چشم برگردانیم و فقط چند متر آن طرف تر از آرامگاه مارکس را نگاهی بیندازیم و شاهد این واقعیت باشیم. در اینجا می بینیم که کمونیست هایی از عراق، آفریقای جنوبی و ایالات متحد آمریکا دفن شده اند. مثل مارکس، اینان نیز تبعید شده رژیم هایی بوده اند که در آنها حزب کمونیست غیرقانونی یا نیمه قانونی (نیمه پنهان) بوده است، کمونیست ها در معرض شکنجه و زندان قرار داشته اند، و از کشور یا تبعید شده اند یا خود به اجبار گریخته اند. در همین جاست که کلودیا جونز آرمیده است؛ کمونیست آمریکایی سیاه پوست، فعال حقوق زنان و سیاهان، و روزنامه نگار و فعال اجتماعی که او را مادر کارناوال ناتینگ هیل [جشنواره خیابانی مهاجران کاراییبی در لندن انگلستان شامل موسیقی، رقص، ... که هر سال در ماه اوت برگزار می شود] می نامند. او بنیانگذار و سردبیر نشریه وست ایندین گارت بود که به رغم دشواری های مالی نقشی حیاتی در مبارزه سیاهان در بریتانیا داشت.

در کنار مارکس، همچنین سه تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق آرمیده اند، حزبی که بیشتر عمر خود را در شرایط "غیرقانونی" و تعقیب و دستبرد رژیم های حاکم گذرانده است. عامر عبدالله نقشی برجسته در انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ (تیر ۱۳۳۷ش) داشت [در آن سال با فروپاشی حکومت سلطنتی و تشکیل جمهوری عبدالکریم قاسم قدرت را به دست گرفت]. ثابت حبیب العنی، که در همین مزار به خاک سپرده شده است، در سال ۱۹۵۶ به جرم فعالیت های "ضد عراقی" توسط حکومت خاندان هاشمی دست نشانده انگلیس از کشور تبعید شد. سعد علی، برادر عضو برجسته کمیته مرکزی کنونی حزب کمونیست عراق، نیز در همین جا مدفون است. سعد یکی از بنیانگذاران کمیته دفاع از حقوق دموکراتیک در عراق و مبارزه با سرکوب بود.

دیگر کمونیست برجسته ای که اینجا در کنار مارکس آرمیده است، یوسف دادو صدر حزب کمونیست آفریقای جنوبی، نخستین رییس کنگره ملی آفریقا و یار نزدیک نسون ماندلا است. یوسف دادو ساعتی پیش از مرگش در سپتامبر ۱۹۸۳ (شهریور ۱۳۶۲ش) پیامی برای کمیته مرکزی حزب فرستاد که در آن بر اهمیت حیاتی مارکسیسم در مبارزه ایدئولوژیکی تأکید کرد. او نوشت: "پیرومندی ما در گذشته بر اساس عمق شناخت و دانش نظری حزب و کارهای آن بوده است. پیکار ایدئولوژیکی بی امان و دشواری که در جبهه های زیادی در جریان است نباید حزب ما را به هراس اندازد. ما باید اینجا، امروز، و در اندیشه ورزی های آتی مان، بر چنین اساسی ضعف ها و توانایی های مان، و موفقیت ها و شکست هایمان را ارزیابی کنیم. ما باید صادقانه، رک و پوست کنده، و واقع بینانه سمت و سویی برای بهبود کارمان در دوران دشواری که در پیش رو داریم مشخص کنیم. کار نظری در همه سطوح از اهمیت درجه اول برخوردار است. ما باید کارایی مان را در این عرصه کلیدی مورد ارزیابی انتقادی قرار دهیم."

آن پیکار ایدئولوژیکی بی امان و دشوار امروز هم ادامه دارد. کمونیست ها باید با باز خیزی تهجمی نولیبرالیسم، و در پیامد آن با آرایه ای از ایده های تفرقه انداز از بنیادگرایی مذهبی - با مفاهیم ضمنی بیزاری از همجنس گرایی و زنان - گرفته تا چپ گرایی فرقه گرایانه برزمنند. در برابر آنهايي که مناسبت داشتن طبقه و مبارزه طبقاتی را انکار می کنند، ساختمان و ترکیب آن را درست درک نمی کنند، یا در پی فایده ای کوتاه مدت، امکان یک مبارزه متحد را تباه می کنند، ضروری است که ما همواره بر اولویت طبقه و مبارزه طبقاتی تصریح و تأکید کنیم. ما نیز باید به آن پیکار سیاسی و ایدئولوژیکی که داد و از آن سخن می گفت پایبند باشیم و از عهده اش برآیم. ما باید این مبارزه را نه با تصریح این که "مارکسیسم قادر مطلق است چون درست است" - آن گونه که بعضی ها در گذشته کردند - بلکه با درک یافته های ارزشمند مارکس و به کار بردن آنها در شرایط دوران خودمان به پیش ببریم. این آن چیزی است که باید کمونیست ها - وارثان سنت مارکسیستی، سنت سوسیالیستی غیرمذهبی - را در سراسر جهان متحد کند.

جوهر این پیکار، یعنی پایان دادن به استثمار و ستم برای همیشه، کماکان به عنوان هدف ثابت و دایمی ما و حلقه پیوند بنیادی ما با مارکس و سوسیالیست های قرن او باقی است. وظیفه توضیح دنیا به منظور تغییر دادن آن کماکان به جای خود باقی است.

ادامه ورشکستگی اقتصادی ...

۲۴۰ شرکت دولتی واگذار می شود، این شرکت ها مصوبه هیات عالی واگذاری و مصوبه هیات دولت را برای واگذاری سهام خود دریافت کرده اند، علاوه بر این به نحوی که قرار شده، سرمایه گذاران خارجی برای خرید سهام شرکت ها افزون بر بانک ها، اجازه حضور در بورس دارند و از حضور آنها به شکل قانونی حمایت خواهد شد.

به طور کلی با حضور سرمایه گذاران خارجی در بورس و تاسیس نهادهای مالی جدید نظیر بانک های سرمایه گذاری مشکلی از لحاظ فروش سهام عرضه شده در بورس وجود نخواهد داشت. ما با گام های استوار به سوی خصوصی سازی کامل می رویم....

از جمله موارد بسیار مهم دیگر معجزات اقتصادی دولت احمدی نژاد، تاکید این دولت بر خصوصی سازی صنعت نفت، پتروشیمی، فروش پالایشگاه ها به بخش خصوصی و پرداخت وام بدون بهره و یا کم بهره به بخش خصوصی برای تصاحب نیروگاه های مختلف کشور است.

در این زمینه دولت در قانون بودجه سال ۸۶ که به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسیده، مقرر ساخته است که از طریق صندوق ذخیره ارزی وام بی بهره یا با بهره بسیار پایین به بخش خصوصی پرداخت کند.

روزنامه "سرمایه"، ۱۹ اردیبهشت در گزارشی تحت عنوان "پرداخت وام به خریداران نیروگاه ها از حساب ذخیره ارزی" نوشت: "دولت در نظر دارد به بخش خصوصی که خواهان سرمایه گذاری در صنعت برق و یا خواستار خرید نیروگاه های ساخته شده از طریق صندوق ذخیره ارزی وام (بی بهره و کم بهره) پرداخت کند."

روزنامه "سرمایه" در ادامه گزارش خود می افزاید: "در همین رابطه قائم مقام وزیر نیرو از امضای قرارداد ساخت ۱۰ نیروگاه با بخش خصوصی خبر داد و گفت، با تلاش های صورت گرفته تنها در طول دو ماه گذشته قرارداد ساخت ۱۰ نیروگاه با بخش خصوصی به امضاء رسیده است، دولت قصد دارد هر جا که ممکن است از حضور بخش خصوصی استفاده و تصدی گری بخش دولتی را کم کند. وی در عین حال از فروش نیروگاه ها به عنوان راه دیگر خصوصی سازی در صنعت برق یاد کرد و گفت، این نیروگاه ها پس از تبدیل شدن به سهامی عام به بخش خصوصی واگذار می شوند، روالی که در سه سال گذشته برای نیروگاه های بخش خصوصی وجود داشت با دستور هیات وزیران و تاکید مشخص رییس جمهور با ابلاغیه اصل ۴۴ تطبیق داده می شود و آن را در قالب سهام عدالت واگذار می کنیم. در مجموع طبق قانون ۸۰ درصد نیروگاه ها در آینده خصوصی می شود و دولت فقط در حد ۲۰ درصد سهام برخی نیروگاه ها را حفظ خواهد کرد. انتظار می رود ۴ تا ۵ نیروگاه حرارتی امسال خصوصی شود. در مورد قیمت فروش نیروگاه های برق، این قیمت تا حد زیادی به قیمت خرید برق آن ها وابسته است."

پر واضح است با خصوصی سازی صنعت برق این مصرف کنندگان هستند که متضرر شده و مجبور به پرداخت بهای بیشتر برای مصرف برق خواهند شد، تجربه ای که در اکثر کشورهایی که خصوصی سازی مطابق نسخه های "صندوق بین المللی پول" عملی شده، رخ داده است و ایران از این قاعده مستثنی نیست.

اما جالب ترین قسمت این معجزه ها، نوع شرکت های خصوصی و یا ماهیت آن بخش خصوصی است که در زیر حمایت دولت احمدی نژاد ثروت ملی را به چنگ می آورد! همین صنعت برق و خصوصی سازی نیروگاه های مهم و حیاتی کشور مثال گویا و نمونه ای روشن از عملکرد دولت بر گمارده ارتجاع به دست می دهد.

یکی از نیروگاه های خصوصی شده، نیروگاه زرگان در استان آذربایجان غربی است. خریدار آن کیست؟ صد البته بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، این بنیاد نیروگاه فوق را به مبلغ ۴۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان خریداری کرد، همین بنیاد سپس چند شرکت وابسته به سپاه پاسداران را در اداره نیروگاه شریک خود ساخت. به این ترتیب بنیادهای انگلی و شرکت های دلالی سپاه پاسداران آن بخش خصوصی بی هستند که دولت احمدی نژاد تمام توان و امکانات خود را در خدمت به آنها بر اساس ابلاغیه اصل ۴۴ به کار گرفته است!

اساس و بنیاد اختلافات میان جناح های حکومتی در عرصه سیاسی-اقتصادی و حتی اختلافات درون طیف ارتجاع معطوف به این نوع مسایل و یا بهتر گفته باشیم، تصاحب و چنگ انداختن بر این ثروت هنگفت ملی است.

دولت اصلاحات به میزان ۲۸ میلیارد دلار بود که ۷۵٪ آن را کالاهای سرمایه ای و واسطه ای تشکیل می داد. در سال گذشته کشور تجربه واردات ۵۰ میلیارد دلار را پشت سر نهاد که وجه غالب آن مصرفی است و گوشه هایی از آن را در بازارهای مختلف از جمله میوه قابل مشاهده است.

تابش می افزاید: "حجم نقدینگی کشور در سال آخر دولت اصلاحات ۶۳ هزار میلیارد تومان بود که در اسفندماه گذشته به دو برابر یعنی ۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است که اکنون سلامت حیات اقتصادی کشور را به مخاطره انداخته است..."

تبلیغ معجزه اقتصادی از سوی احمدی نژاد اندکی پس از دیدار بسیار مهم مسئول بخش ایران در "بانک جهانی" از کشور و ملاقات های او با مسئولان بلند پایه رژیم ولایت فقیه اعلام می شود، این مقام "بانک جهانی" در این دیدار توصیه های اکیدی به دست اندرکاران بخش اقتصادی دولت نهم ارائه کرد که با پذیرش آنان رو به رو شد، و قاعدتا بخشی از معجزه مورد اشاره احمدی نژاد در اقتصاد مربوط به همین توصیه هاست!

یکی از اساسی ترین اجزاء و یا بخش های معجزه کذایی، ابلاغیه اصل ۴۴ و پیامدهای آن است که شخص احمدی نژاد از آن به عنوان تحول بزرگ در جمهوری اسلامی یاد کرده است. هم زمان با تبلیغات پیرامون به اصطلاح دستاوردهای اقتصادی دولت نهم، سخنگوی دولت اعلام داشت، لایحه اجرایی سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت ها و نگاه های دولتی به بخش خصوصی به تصویب نهایی هیئت وزیران رسید.

غلامحسین الهام در این باره یاد آوری کرد: "لایحه اجرایی سیاست های کلی اصل ۴۴ یکی از قوانین مادر اختصاصی و مهم کشور است که نه تنها به بحث واگذاری شرکت های دولتی پرداخته بلکه مباحثی چون انحصارات اقتصادی و تسهیل رقابت در آن مورد نظر قرار گرفته است."

در ارتباط با همین لایحه اجرایی و در چارچوب عمل به توصیه های "بانک جهانی" و "صندوق بین المللی پول"، شورای پول و اعتبار جمهوری اسلامی مصوبه ای را ارائه کرد که مطابق آن تاسیس بانک با سرمایه گذاری مشترک ایرانی و خارجی، تملک سهام بانک های ایرانی توسط سرمایه گذاران خارجی، خصوصی سازی سریع بانک ها و ایجاد شعب بانک های خارجی در داخل کشور مجاز و قانونی می شود.

در این باره معاون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در تشریح مصوبه شورای پول و اعتبار به خبرنگاران تاکید کرد: "خرید سهام بانک ها ایرانی توسط سرمایه گذاران خارجی در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی آزاد است و هیچ ممنوعیتی در این خصوص وجود ندارد و سرمایه گذاران خارجی می توانند مبادرت به خرید سهام بانک ها کنند."

به موازات این مصوبه که از حمایت وزارت اقتصاد و بانک مرکزی برخوردار است، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه دو مصوبه مهم در راستای ابلاغیه اصل ۴۴ و خصوصی سازی داشت. روزنامه "دنیای اقتصاد"، ۲۰ اردیبهشت ماه طی گزارشی در این باره نوشت: "مجلس روز گذشته را می توان به خاطر مصوبات مهم در حوزه اقتصاد، روز اقتصاد در مجلس نامید. یعنی روزی که نمایندگان مجلس به رغم اختلاف نظرهای بسیار جدی، افزون بر تصویب کلیات طرح پر مناقشه تسهیل در ارائه تسهیلات بانکی، یک فوریت لایحه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را نیز از تصویب گذراندند."

بلافاصله پس از اعلام مصوبه مجلس، معاون سازمان خصوصی سازی کشور در گفتگو با خبرنگاری "مهر" یادآوری کرد: "امسال سهام

مسیر حرکت چین به پیش

برگرفته از: "بیژینگ رویو" (Beijing Review)
تینگ لینگ لینگ، استاد مدرسه حزبی کمیته
مرکزی حزب کمونیست چین، درباره "راه رشد
صلح آمیز" چین سخن می گوید.

از زمان برگزاری شانزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۰۲، تلاش زیادی برای به پیش راندن اصلاحات و بازگشایی کشور صورت گرفته است. اکنون چین به واسطه رشد اقتصادی اش شاهد رشد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بیشتری است. در سال ۲۰۰۶ با وجود قیمت های به نسبت ثابت و رشد نسبتاً سریع، اقتصاد توان بیشتری یافت. به لطف رشد اقتصادی سریع و پایدار و بازسازی اقتصادی گسترده تر، درآمد مالی چین به ۹۳/۳ تریلیون یوان (۵۲۰ میلیارد دلار) رسید، و تولید ناخالص ملی آن متجاوز از ۲ تریلیون (هزار میلیارد) دلار آمریکا شد. تنگناها و کمبودهای موجود در زمینه های ذغال سنگ، برق، نفت و ترابری تا حد زیادی برطرف شدند. با وجود نرخ رشد اقتصادی بیشتر از ۱۰٪ در چهار سال پی در پی، چین هنوز قادر به جلوگیری از بروز تورم است. اصلاحات در عرصه های کلیدی گسترش بیشتری یافت. حجم صادرات و واردات در سال ۲۰۰۶ به ۱۸۰۰ میلیارد دلار رسید. سرمایه گذاری مستقیم خارجی سر به ۶۰ میلیارد دلار زد، و ذخایر ارزی چین از مرز یک تریلیون دلار گذشت.

حرکت به سوی ساختن مناطق غیر شهری نوین سوسیالیستی پیشرفتی مداوم داشت. ضمن این که مالیات کشاورزی القا شد، ۴۶۰ میلیون کشاورز در نیمی از مناطق روستایی کشور زیر پوشش نظام پزشکی تعاونی روستایی قرار گرفتند. در مدتی کوتاه برنامه های اجتماعی گوناگونی تدوین و اجرا شد، و شرایط زندگی مردم پیوسته بهبود یافت. در حالی که درآمد خالص سرانه شهروندان از مرز ۱۱،۷۵۹ یوان (۱۵۵۰ دلار) گذشت، درآمد خالص سرانه کشاورزان به ۲۵۸۷ یوان (۴۷۵ دلار) رسید، که حاکی از بیشترین میزان رشد در دهه گذشته است.

هم زمان با این پیشرفت ها، چین دستاوردهای بزرگی نیز در عرصه امور خارجی داشت. سال گذشته، سیاست خارجی چین فعال تر از هر زمان دیگری بود و روابط چین با آمریکا، ژاپن، روسیه و اتحادیه اروپا توسعه بیشتری یافت. چین روابط همکاری دوستانه اش را با همسایگانش بهبود بخشید، همکاری هایش را با دیگر کشورهای در حال رشد به سطح والای نوینی ارتقا داد، و در حل و فصل مسائل بین المللی مشارکت کرد. همچنین، سال گذشته شاهد تبادل های فرهنگی بیشتری بین چین و بقیه دنیا بودیم. به رغم این دستاوردهای بزرگ، لازم است که به دشواری ها نیز توجه کنیم. به سبب شالوده ضعیف کشاورزی چین، افزایش تولید غلات و افزایش درآمد کشاورزان با مشکل رو به رو بود. سرمایه گذاری دارایی های ثابت کماکان در حدی چشمگیر، و الگوی رشد اقتصادی فراگیر و دامنه دار به جای خود باقی بود. کمبود انرژی مانعی در راه رشد اقتصادی بود، در حالی که توانستیم به هدف تعیین شده ۴ درصد کاهش در مصرف انرژی برسیم. همچنین، فشار عظیمی برای کاهش ارزش ارز کشور وجود داشت و نتوانستیم دشواری های حیاتی تأثیرگذار بر منافع و نیازهای فوری مردم را به درستی برطرف کنیم. در عرصه بین المللی، اگرچه نفوذ و موقعیت چین در صحنه جهانی کماکان رو به اعتلاست، اما کشور با چالش های تازه ای نیز رو به رو بوده است. قدرت های عمده اقدام های احتیاط آمیزی را نسبت به چین در پیش گرفته اند و از چین می خواهند که مسئولیت های بین المللی سنگین تری را به دوش بگیرد. افزون بر اینها، چین با رقابت فزاینده ای از سوی برخی از کشورهای در حال رشد رو به روست. واقعیت این است که حجم کل اقتصاد چین فقط ۴ درصد کل اقتصاد دنیا، ۱۳ درصد کل اقتصاد آمریکا، ۲۸ درصد ژاپن و ۷۰ درصد آلمان است. تولید ناخالص ملی سرانه چین، که در بسیاری از استان های کشور کمتر از ۵۰۰ پوند در سال است، در ردیفی پایین تر از صد کشور جهان است.

به این ترتیب، ضمن این که چین از رشد ناسالم و ناهماهنگ در نتیجه رشد بیش از حدش جلوگیری می کند، می بایست از

محدود کردن رشد از ترس آن که شاید دشواری هایی به بار آورد، پرهیز کند. ون جیابائو، نخست وزیر کشور، اعلام کرده است: "چین در مرحله مقدماتی سوسیالیسم قرار دارد و برای مدتی در این مرحله خواهد ماند"، و این دورانی است که مشخصه آن "باروری رشد نیافته" است. نخست وزیر با مورد توجه قرار دادن نظریه دنگ شیائو پینگ که "رشد اصل مطلق است" می گوید: "بنابراین، ما باید اصل تمرکز بر رشد اقتصادی را پیگیری کنیم و از هیچ تلاشی برای بهبود بارآوری فروگذار نکنیم." نخست وزیر ون همچنین خواستار تلاش بیشتر برای به جلو راندن اصلاحات و نوآوری ها شده است. همان گونه که تجربه ما در ۲۸ سال گذشته ثابت کرده است، اصلاحات و بازگشایی و ایجاد درهای باز به تقویت توان کشور کمک می کند. در این روند خواه ناخواه دشواری هایی بروز می کنند، به ویژه در روند شتابنده شهری شدن و صنعتی شدن و در مبارزه ما برای رسیدن به ثمرات اصلاح.

در نتیجه تغییر و تعدیل بی وقفه، عمقی، گسترده و قاطع خواست ها و منافع گروه های گوناگون جامعه، دشواری هایی بروز می کند. نظام شرکتی چین هنوز نیاز به تدوین و تکمیل دارد. توجه اصلی باید به اصلاح نظام مالکیت و بهبود مدیریت شرکت ها و توانایی های تحقیق و توسعه باشد.

افزون بر این، نظام بازار چین را نیز باید بهتر کنیم. در حال حاضر، این نظام از اتلاف جدی منابع رنج می برد، که ارتباط مستقیمی دارد با سازوکار نادرست و نامناسب قیمت گذاری زمین، آب، انرژی و منابع معدنی عمده.

انحصار اداری، حمایت گرای محلی، و تقسیم بازار به بخش های گوناگون همگی جلو گردش آزادانه کالا در کشور را می گیرند و مانع تخصیص منطقی منابع می شوند. انتقال وظایف دولت که مدت هاست به تأخیر افتاده است، هنوز باعث بروز دشواری های عمده در ارتباط با زندگی مردم است. هماهنگ نبودن رشد شهری و روستایی ارتباط تنگاتنگی با ساختار دوگانه دیرپای شهری و روستایی در چین دارد. فاصله زیاد درآمدها بین گروه های اجتماعی دلایل پیچیده ای دارد، اما این مسئله به طور عمده ناشی از نظام کهنه توزیع درآمد کشور و تلاش ضعیف دولت در تنظیم درآمدها بوده است. برای بسیاری از خانواده ها هزینه آموزش بسیار بالاست، چرا که دولت به مسئولیت کامل خودش برای تأمین آموزش اجباری عمل نکرده است. در زمینه بهداشت و درمان، توزیع نامناسب منابع، نظام ناقص بیمه های بهداشتی و درمان و نبود یک نظام پزشکی بنیادی مؤثر، دسترسی به این خدمات را برای مردم عادی تقریباً ناممکن می سازد.

مسئولیت کارکرد ضعیف اقتصاد بازار به گردن سازوکار اعتباری ناقص در چین و نبود یک نظام عملی کیفی برای کارکرد اعتباری بد است.

دلایل بسیاری از مشکلات را می توان مشخص کرد، ولی نمی توان هیچ یک از مشکلات را به استراتژی اصلاحات نسبت داد. در عوض، این مشکلات را باید به طور عمده ناشی از اصلاحات ناقص و اقدام های نامؤثر دانست. بنابراین، راه حل این مشکلات در تعمیق اصلاحات و ارتقای رشد و توسعه است.

اهمیت نوآوری هم کمتر از اصلاحات نیست. از زمانی که چین سیاست اصلاح و بازگشایی را در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز کرد، تغییرات بزرگی در سطح رشد علمی و فنی کشور و در ساختار صنعتی آن صورت گرفته است، و کیفیت کار تا حد زیادی بهبود یافته است. اما با توجه به محدودیت فزاینده منابع، زیست بوم (اکوسیستم) رو به وخامت، و وجود رقابت بی امان بین المللی در زمینه نوآوری های فن آوری، بنیة ضعیف چین در زمینه نوآوری هر چه بیشتر به گره گاهی در رشد آتی آن بدل می شود. در تقسیم کار جهانی کنونی، چین نقش فرآورنده و تولید کننده محصولات صنعتی اولیه، و تأمین کننده منابع و فرآورده های مکانیکی ساده به بازار بین المللی را دارد. در آرای دریافت دانش و فرآورده های با فناوری برتر از کشورهای پیشرفته، ما مجبوریم مواد و منابع عظیمی را در اختیار آنها بگذاریم. اگر چین برای مدتی دراز به ایفای این نقش ادامه دهد، به زودی منابع معدنی اش به پایان خواهد رسید و آسیب زیادی به محیط زیست خواهد زد. امروزه چین یک تولید کننده عمده مواد است، نه تولید کننده نیروی کار ماهر. نیاز به رشد سریع چین را به این وضع کشانده است و مردم چین اکنون با این معضل رو به رو هستند که چگونه از سرنوشت پیش بینی شده توسط نظریه تقسیم بین المللی کار اجتناب کنند. کشور باید توانایی های نوآوری مستقل خود را بهبود بخشد تا بتواند در شرایط رقابت بی امان موجود در صحنه بین المللی توان رقابت و امنیت اقتصادی خود را تقویت کند.

موقعیت در حال ارتقای چین در صحنه جهانی این سؤال را برای جامعه بین المللی پیش می آورد که چین چه راهی را برای تأمین رشد و توسعه اش در پیش خواهد گرفت؟ در برابر جامعه جهانی چه مسئولیت هایی را بر دوش خواهد گرفت، و آیا به عنوان نیرویی عمل خواهد کرد که صلح و بهروزی جهان را حفظ کند؟

نخست وزیر ون به تکرار تأکید کرده است که چین راه رشد صلح آمیزی را دنبال می کند که جوهر آن این است که رشد و توسعه چین و صلح جهانی دست در دست هم دارند، و هر یک به دیگری کمک می کند. اگرچه چین از دیدگاه رشد و توسعه مشترک به همکاری و مبادله با بقیه دنیا بر اساس برابری و منافع متقابل ادامه می دهد، اما به طور عمده به نیرو، اصلاحات و نوآوری خود برای رشد و توسعه متکی است. از دیدگاه داخلی، راه رشد صلح آمیز امری است ضروری چرا که ریشه در ماهیت سوسیالیستی دولت و در سیاست خارجی مستقل صلح طلب چین دارد. کمزبیش ناگزیر چین چیزی نمی تواند باشد جز همآوردی با چالش ها و مخاطراتی که ممکن است در صحنه جهانی با آنها رو به رو شود.

پس از سال ها کوشش، چین راه رشد هماهنگ و قابل دوامی را یافته است. سخنان نخست وزیر ون در توضیح نظریه "راه رشد صلح آمیز" نشان دهنده ضرورت تاریخی پیگیری این راه توسط چین است. پیگیری این راه، همچنین تهنیدی راسخ است که چین کمونیست چین، دولت چین و مردم چین در برابر بقیه دنیا به عهده گرفته اند.

۱۰۰ روز عدالت پس از ۱۶ سال نولیبرالیسم برگرفته از: گرانا



در نواحی دور افتاده زندگی می کنند، یا فقط به زبان های محلی و بومی تکلم می کنند، مثل میکیتو و مایانیا. برای این عده، کارت های نمایش کمک آموزشی را به زبان خودشان ترجمه کردند.

سندینیس تلاش زیادی نیز برای تشویق تعاونی های تولید کشاورزی و تولید کنندگان کوچک به خرج داده است، و مواد و مصالح مورد نیاز را در اختیار آنها قرار داده است، به این امید و با این هدف که بتواند به توسعه ای پایدار و در نهایت به خودکفایی غذایی دست یابد.

نیکاراگوئه هم مثل برزیل کارزار اجرای برنامه ریشه کن کردن گرسنگی را آغاز کرده است که در ۵ سال آینده بیشتر از ۷۵ هزار خانوار روستایی را در بر خواهد گرفت. این برنامه صرف نظر از میزان انرژی ای که کشور برای مصرف داخلی و رشد اقتصادی به آن نیاز دارد، اجرا خواهد شد. علاوه بر همه اینها، سیاست صرفه جویی دولت نیز دنبال می شود تا بهره گیری از آن منابع در برنامه های اجتماعی امکان پذیر شود.

پیروزی اورنگا و جنبش سندینستی بدون تردید ضربه سنگینی بود بر امپریالیسم، چرا که آرمان هایش الهام بخش و مشوق تلاش های دیگر ملت های آمریکای مرکزی است برای حرکت در همان سمت. با همه اهمیت که این رویداد داشت، پیشرفتی که در این ۱۰۰ روز نخست در راه فراگیری و عدالت اجتماعی به دست آمد، همان طور که دانیل اورنگا و جنبش سندینستی قول داده بود، اهمیت بیشتری دارد.

با حرکت در این جهت، با چشم انداز تحکیم یک دولت انقلابی و مردمی، به زودی شب دراز نولیبرالیسم به سر خواهد آمد و روز استقرار نظامی دیگرگونه خواهد رسید که انسانیت و دفاع از استقلال را در سرلوحه کار امروز خود، به عنوان تضمینی برای آینده، قرار خواهد داد.

زمان پدیده ای نسبی است، و اگر صحبت از نیکاراگوئه باشد، این امر بیشتر صادق است. ۱۶ سال حکومت نولیبرالیسم، این کشور آمریکای مرکزی را نابود کرد. فقر و نابرابری بیشتر شد و شرایط کشور به همان اسفناکی دوران دیکتاتوری سوموزا شد. با در نظر گرفتن این امر، به نظر می آید که ۱۰۰ روز تأثیر مهمی نداشته باشد. اما در واقع این طور نیست، به رغم این واقعیت که نیروهای سیاسی راست گرا، پیمان شکنان چپ، و دیگر نیروهایی که در آن نظام انحصارگرا و بیدادگر به نان و نوایی رسیده بودند، منکر چنین امری هستند.

۱۰۰ روز برای دولت مردمی و انقلابی که به مردم نیکاراگوئه قول داد که شرایط گذشته را به نفع اکثریت جامعه دگرگون کند نیز زمانی پر اهمیت است. به رغم کارزارهایی که مخالفان به راه انداختند، دولت در راه این هدف درنگ نکرد. دولت به سراغ انقلاب های بولیواری و کوبا رفت که همیشه آماده برای همبستگی اند، و فقط در مدت ۱۰۰ روز توانست حقوق بنیادی بشر را که توسط "دموکرات" های نولیبرال زیر پا گذارده شده بودند، دوباره احقاق کند: آموزش و بهداشت و درمان رایگان برای همه. از آن گذشته، پرزیدنت دانیل اورنگا ۲۴ ساعت پس از ادای سوگند ریاست جمهوری، بر اساس اصول هماهنگی و همکاری بدون اعطای امتیاز "گزینه آمریکای بولیواری" (ALBA) به این نهاد پیوست، و نخستین گام ها را در راه برون رفت از بحران انرژی به ارث رسیده از حاکمان پیشین برداشت.

پیروزی سندینستی ها در پی کارزاری انتخاباتی به دست آمد که در آن رسانه ها، حاکمان، و متنفذان و سیاستمداران راست گرایی که آنها را نمایندگی می کنند، تمام هم خود را مصروف تبلیغات منفی بر ضد اورنگا و بی اعتبار کردن برنامه اش به عنوان رئیس جمهور کردند. او در ۱۰ ژانویه امسال، وقتی که رهبری کشور را به دست گرفت، به دشواری مسئله واقف بود. این انقلابی است که واشنگتن آن را به دلیل ریشه داشتن در جنبش سندینستی و سر بلند کردن دوباره اصول مقدس آن، هنوز نبخشیده است. اتفاقی نیست که پرزیدنت اورنگا صدای اعتراض خود را بر ضد ضربه سنگینی که توسط کاخ سفید بر عدالت و شرافت وارد شد، بلند کرده است. این طور که اعلام شده است، واشنگتن اجازه داده است که بدنام ترین تروریست این نیمکره، یعنی لوییز پوسادا کارلیس، که نیکاراگوئه خواهان استرداد او [به ونزوئلا] شده بود، از زندان آزاد شود. نباید فراموش کرد که دست داشتن پوسادا در حمایت از نیروهای ضد انقلابی نیکاراگوئه جزو سوابق جنایی اوست.

۷۰ درصد از جمعیت نیکاراگوئه، که بر اساس برآورد نهادهای بین المللی در فقر به سر می برند، و از عهده پرداخت هزینه مدرسه و بیمارستان بر نمی آیند، اکنون بار دیگر از مزایای آموزش و بهداشت و درمان رایگان برخوردارند. نابسامانی اجتماعی نولیبرالی در این کشور تا این حد بود که این بخش از جمعیت حتی موقعی که مدرسه ها و بیمارستان ها توسط دولت اداره می شدند از عهده مخارج آنها بر نمی آمدند.

فرا تر از اینها، همه چشم انتظار فرا رسیدن ۱۶ می [۲۶ اردیبهشت] و آغاز رسمی "کارزار ملی پیکار با بی سواد" هستند، که در آن از روش آموزشی "من می توانم" کوبایی بهره گرفته خواهد شد که همین حالا هم ۷۰ هزار نیکاراگوئه ای از ثمرات آن بهره مندند. دولت انقلابی کوبا برای یاری رساندن به این تلاش، علاوه بر کارت های نمایش و دیگر مواد کمک آموزشی، ۵۰۰۰ دستگاه تلویزیون و به همین تعداد دستگاه پخش ویدیو اهدا کرد که در مناطق مختلف کشور توزیع شدند. ۳۵ درصد جمعیت نیکاراگوئه (بیشتر از ۵ میلیون) بی سواد هستند. بسیاری از آنها

کمک های مالی رسیده

کمک به حزب، آرش چمنی ۵۰۰ دلار
به مناسبت اول ماه مه، هواداران حزب از هانوفر ۱۷۰ یورو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 765
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26 May 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse